

رهیافتی تاریخی به شهرسازی و مجموعه‌های معماری تبریز عهد ایلخانی

بهرام آجورلو^۱

چکیده

بر مبنای اسناد تاریخی، احداث مجموعه‌های عظیم معماری و شهرک‌های اقماری در تبریز عهد ایلخانی در سراسر تاریخ معماری و شهرسازی شرق اسلامی بالاخص ایران کم‌نظیر و کم‌سابقه بوده است. این توسعه مجموعه‌های معماری و شهرک‌های مهندسی‌ساز ارتباطی مستقیم با افزایش جمعیت و گسترش تجارت بین‌المللی در قلمرو پادشاهی پهن‌اور ایلخانان داشته است. متأسفانه زلزله‌های مهیب سال‌های ۹۹۷ و ۱۱۴۳ و ۱۱۹۳ ه. ق. تبریز را در هم کوبید؛ و به تلی از خاک تبدیل کرد؛ و از آن چیزی بر جای نگذاشت؛ بنابراین، مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که آیا دانش معماری و شهرسازی می‌تواند بر مبنای اسناد تاریخی، ساختارهای شکل دهنده تبریز عهد ایلخانی را بازشناسی کند؟ نگارنده با استفاده از رهیافت تاریخی و با مراجعه به متون اصلی و دست اول مؤرخان و سیاحان سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری چون آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و حمدالله مستوفی قزوینی سعی کرده این ساختارها را تا حد امکان بازشناسی کند. بر مبنای اسناد تاریخی، ساختار شهری تبریز عهد ایلخانی از سه ناحیه شهری کاملاً برنامه‌ریزی شده و با کارکردهای تعریف شده شهری و مجموعه‌های معماری عام‌المنفعه شکل می‌گرفته است؛ که در آن، شهر تبریز به عنوان ناحیه مسکونی توده رعایا و مرکز اصلی صنعت و تجارت و نیز مرکز ثقل شبکه بازارهای شرقی ایلخانان؛ شهرک غازانیه به عنوان ارگ حکومتی و مرکز فعالیت‌های سیاسی و تجارت با اروپا و همچنین ناحیه مسکونی سلطنتی؛ و شهرک رشیدیه نیز با هدف فعالیت‌های فرهنگی و دینی و ناحیه مسکونی طبقه نخبگان اجتماعی برنامه‌ریزی، طراحی و احداث شده بودند.

کلید واژگان: تبریز، رشیدیه، غازانیه، عهد ایلخانی، مجموعه‌های معماری، شهرسازی.

A Historical Approach to the Urban-planning and Architectural Complexes in the Ilkhānid Tabriz

B. Ajourloo¹

Abstract

Historically, the construction projects of gigantic architectural complexes as well as satellite suburbs in the Ilkhānid Tabriz, after the Ghāzān Khān's reforms, are brilliant and less comparable in the history of architecture and urbanism in the Islamic orient, particularly in Iran. Such development of architectural complexes and well- designed suburbs, directly, were caused by increasing population and growing international trading in the extended realm of Ilkhānid Empire. Alas! Three terrible earthquakes in 1588, 1730 and 1780 destroyed the Ilkhānid Tabriz and converted her into tells of ruins, totally. Historically, in consequence, the basic objectivity matter of the authors is to recognize and realizing of architectural structures and urban plan of Ilkhānid Tabriz. Their historical approach, by means of Ilkhānid primary resources of the 13th-15th centuries, as Hamd-allāh-Mustawfi of Qazwin and Khwādjuh Rashid Al-din Fazl-allāh Hamadāni, keep on trying to answer such objectivity. So, historically, the urban structure of Ilkhānid Tabriz was based upon three different designed areas which had exclusive urban function as well as public- charity complexes. Of these, Tabriz was the industrial and residential area for ordinary people in addition to her basic character for controlling the oriental markets of Ilkhānid's realm. Meanwhile, Ghāzāniyyā were being used as the royal acropolis, diplomatic residential area and controlling the occidental markets of Ilkhānids. But, Rashidiyyā had been designed as the academic town for residency of social elites as well as scholar, religious and cultural activities.

Key words: Tabriz, Rashidiyyā, Ghāzāniyyā, Architectural complexes, Urban- planning, Ilkhānid era.

1 - Assistant professor, Tabriz Islamic art university
ajorloo@tabriziau.ac.ir

مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که آیا دانش معماری و شهرسازی می‌تواند، علی‌رغم فقدان داده‌های باستان‌شناختی، و صرفاً بر مبنای اسناد تاریخی، ساختارهای شکل‌دهنده تبریز عهد ایلخانی را بازشناسی کند؟ نگارنده برای بررسی جواب این سؤال و البته در غیاب اطلاعات کاوش‌های باستان‌شناختی، از روش تاریخی استفاده کرده و با مراجعه به متون اصلی و دست اول مؤرخان و سیاحان سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری، برای مثال آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، حمدالله مستوفی قزوینی و ابوالقاسم کاشانی، این ساختارها را تا حد امکان بازشناسی کنند. وقتی که درباره سازه‌های عظیم و معماری یادمانی تبریز عهد ایلخانی صحبت می‌کنیم به یاد بیاوریم که حمدالله مستوفی قزوینی در سال ۷۴۰ ه. ق. نوشته است که «... و اکنون چندان عمارت عالی و خوب که در تبریز و این دو شهرچه است، در تمامت ایران نیست!». بر مبنای اسناد تاریخی، ساختار شهری تبریز عهد ایلخانی از سه ناحیه شهری کاملاً برنامه‌ریزی شده و با کارکردهای تعریف شده شهری و مجموعه‌های معماری عام‌المنفعه‌ای شکل می‌گرفته است که با آگاهی و برنامه‌ریزی قبلی و محاسبات لازم، برای تبدیل تبریز به پایتختی پادشاهی ایلخانی ساخته شده بودند؛ به طوری که تبریز در عالم اسلام بتواند جای‌گزين بغداد شده؛ و نیز، نیازهای پایتخت سلطنت ایلخانان را برآورده کند. در این برنامه‌ریزی و طراحی، شهر تبریز به عنوان ناحیه مسکونی توده رعايا، صنعت‌گران و پیشه‌وران و مرکز اصلی صنعت و تجارت و مرکز ثقل شبکه بازارهای شرقی ایلخانان؛ شهرک غازانیه به عنوان ارگ حکومتی، اقامتگاه سلطنتی و تجارت با اروپا؛ و شهرک رشیدیه نیز با هدف فعالیت‌های علمی و فرهنگی و دینی و به عنوان ناحیه مسکونی طبقه نخبگان اجتماعی و علماء برنامه‌ریزی، طراحی و احداث شده بودند. روش پژوهش به کار گرفته در این نوشتار، تاریخی بوده؛ و سعی شده است که صرفاً با مراجعه به منابع اصلی و متون مؤرخان سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری درباره ویژگی‌های معماری و شهرسازی تبریز عهد ایلخانی اطلاعاتی به دست آید؛ سپس این اطلاعات، با برداشت‌های معماری شماری از شرق‌شناسان و سیاحان علاقه‌مند به آثار تبریز، برای مثال ویلبر و مطراقچی، مقایسه شده است؛ تا در نهایت، پس از استخراج ایده‌هایی کلی، و نه جزئی، درباره وضعیت و چگونگی پلان و سیمای رشیدیه، غازانیه و تبریز، و همچنین مسجد جامع علی‌شاه تبریزی و گنبد غازانی، اسکیس آن‌ها ترسیم شود. بدیهی است که کسب اطلاعات

جزیی و ایده‌های جزیی‌تر نیازمند کاوش‌های باستان‌شناختی و خاک‌برداری پلان اصلی آثار است؛ که متأسفانه به سبب گسترش ساخت و سازهای مدرن در تبریز امروزی، حتی در آینده نزدیک نیز، امکان‌پذیر نیست!

پیشینه پژوهش

مطالعه معماری و شهرسازی تبریز عهد ایلخانی بر مبنای شبکه شهری از پیش طراحی شده سه گانه تبریز، غزانیه و رشیدیه بر مبنای منابع تاریخی دست اول، تا کنون موضوع پژوهش نبوده است. تحقیقاتی که تا کنون در این باره منتشر شده است صرفاً به صورت موردی درباره باستان‌شناسی ارک علی‌شاه تبریز (Ayorloo, 1981: 117-8; Kleiss, 1981: 3-14) و یا بازسازی منظر معماری شهری ربع رشیدی (سعیدنیا، ۱۳۸۱؛ اسکویی و همکاران، ۱۳۸۹) بوده؛ و بالاخص از نقش غزانیه و مجموعه‌های عظیم معماری در ساختار و سازمان‌دهی پایتخت ایلخانان غفلت شده است. منابع شاخص غربی نیز مانند مطالعات ویلبر (Wilber, 1955) و غلام‌بیگ و ویلبر (Golombek, Wilber, 1988) صرفاً به تحلیل فضاهای معماری یادمانی و البته بدون رهیافت‌های مشخص باستان‌شناختی و یا تاریخی پرداخته؛ و یا دیگر مطالعات غربی مانند کارهای لئونید بریتانیسکی (Bretanizki et al., 1988) به سبب رویکردهای خاص ایدئولوژیک، به نقش فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در تبریز و آذربایجان ایلخانی آگاهانه بی‌اعتناء بوده‌اند! به همین سبب، در فقدان اطلاعات کافی باستان‌شناختی، اتخاذ یک رهیافت پژوهشی تاریخی بر مبنای نقش تمدن اسلامی- ایرانی شرقی و منابع اولیه اهمیت خود را برجسته و نمایان می‌کند.

تبریز عصر ایلخانی

پیش از لشکرکشی هلاکوخان مغول به بغداد (۶۵۶ ه. ق.) مراغه پایتخت ایلخانان بود و تبریز که پس از مراغه، دومین شهر مهم سلسله ایلخانان به شمار می‌آمد، پس از سقوط بغداد، به دستور آباخان مغول، در سال ۶۶۳ ه. ق. به عنوان پایتخت ایلخانان انتخاب شد

(عطاءملک جوینی، ۱۲۹۰: ۴۸۲) و دیری نگذشت که به سرعت توسعه یافت؛ به طوری که در اندک زمانی نه تنها جای بغداد را در عالم اسلام گرفت، بلکه به مرکزیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شرق میانه و همچنین بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر آن قرار گرفت (Giyasi, 1985: 8-12). تبریز و حومه آن در گذار سده هفتم به هشتم ه. ق. بسیار گسترش یافت. بر مبنای *نزهت القلوب* حمدالله مستوفی قزوینی، سور و حصار تبریز وقتی که به پایتختی سلسله ایلخانان برگزیده شد، مساحتی حدود ۳۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گرفت و قلعه اصلی تبریز نیز ده دروازه اصلی داشت که عبارت بودند از: ری، قلعه، سنجان یا سنجاران، طاق، دروب، جوی سرد، در دستی شاه، نارمیان، نوبر و مؤکله محله (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۷۶). سلطان محمود غازان خان (۷۰۳-۶۷۰ ه. ق.) برای ساخت و توسعه مجتمع‌های معماری شهری جدید در تبریز اقدام به برنامه‌ریزی جدی و فراگیر کرد؛ تا کارکردهای این مجتمع‌های جدید با کارکردهای یک پایتخت بزرگ متناسب و متوازن شود؛ به طوری که در آینده توسعه شهر مؤثر افتد؛ و به همین منظور، باید ویژگی‌ها و کارکردها و نیازهای پایتختی به بزرگی تبریز مانند شرایط سکونت شهروندان، حفاظت شهری، تولید و تجارت، حمل و نقل، بهداشت و بسیاری از مسائل پیچیده دیگر از پیش محاسبه می‌شد (Giyasi, 1985: 8-12; 1997: 22-8). به نوشته حمدالله مستوفی قزوینی در *نزهت القلوب*، محیط سور و حصار دومی که غازان خان به دور تبریز کشید حدود ۴/۵ فرسنگ یا ۳۰ کیلومتر امروزی و ستبرای آن هم حدود ۱۰ گز یا ۳ متر امروزی بود؛ که البته برای تسهیل در تردد شهروندان، برای آن ۶ دروازه کوچک و ۸ دروازه بزرگ در نظر گرفته بودند. دروازه‌های بزرگ جدید تبریز در حصار دوم عبارت بودند از: شیروان، اوجان، سردرود، شام (شنب)، سراورود و اهر (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۷۶). حصار دوم تبریز یا همان «باروی غازانی» بخش‌ها و محلاتی را احاطه می‌کرد که در جریان توسعه شتابان تبریز بیرون از حصار قدیمی تبریز احداث و پدیدار شده بودند.

اما مسئله سامان‌دهی بازار و تجارت در تبریز نیز با احداث ساختارهایی کاملاً از پیش برنامه‌ریزی و طراحی شده حل و فصل گشت؛ بنا به نص *تاریخ مبارک غازانی*، برای این هدف، غازان خان فرمان داد تا مراکزی محلی در مقابل هر یک از دروازه‌های شهر احداث شود که شامل بازار، یک کاروان‌سرای بزرگ، یک کارگاه، یک گرمابه، یک اصطبل و یک

انباری بزرگ بود. بازرگانانی که از اقصاء نقاط دنیا به تبریز می‌آمدند، پس از ورود به شهر، در این مجتمع‌های احداث شده در مقابل دروازه‌های باروی غازی اتراق می‌کردند؛ تا پس از انجام معاملات و توزیع و مبادله کالا و امتعه خویش اجازه یابند که وارد تبریز شده؛ و در هر نقطه‌ای که می‌خواهند، اقامت کنند. افزون بر این شش مجتمع تجاری مقابل دروازه‌های اصلی شهر و بازار بزرگ و قدیمی تبریز نیز در میانه مجموعه علی‌شاه تبریزی (ارک علی‌شاه حالیه) و مسجد جمعه قدیمی شهر قرار داشت. بازار قدیمی و مسجد جمعه کهن تبریز هنوز هم برقرار هستند؛ که البته بعد از زلزله مهیب ۹۹۷ و ۱۱۴۳ و ۱۱۹۳ ه. ق. تبریز بازسازی شده‌اند؛ و اینک، بافتی قاجاری دارند. تبریز همچنین یک شبکه تجاری داشت که در آن، خیابان‌های اصلی شهر به صورت خطوط شعاعی مرکز تجاری اصلی شهر را با یکایک بازارهای محلی و مجتمع‌های تجاری مجاور دروازه‌های اصلی شهر متصل می‌کرد؛ که مجموع عمل کرد هماهنگ آنها، سیستم تجاری تبریز را شکل می‌داد. همین سیستم با اتصال به مراکز تجاری کوچک محلی که برای مردم محلات اهمیت بسیار داشت، پیچیده‌تر می‌شد. سیاحان خارجی چون ابن بطوطه و مارکوپولوی ونیزی در سفرنامه‌های خویش به تعدد و پرشماری بازارها در شهر تجاری تبریز اشاره کرده‌اند. البته بزرگترین و مهم‌ترین مجموعه بازار که در زمان سلطنت ایلخانان و به فرمان غازان خان در تبریز ساخته شد همان بازار قدیمی سرپوشیده و مسقف تبریز بود که ابن بطوطه آن را زیباترین بازار مسقف و در زمره مشهورترین بازارهای مسقف زیبای عالم توصیف کرده است؛ که البته بعدها و در عهد عثمانی الگوی ساخت بازار مسقف بایزید در اسلامبول شد (Giyasi 1985: 79-89). او می‌نویسد که در بازار مسقف و قدیمی تبریز برای هر صنفی از اصناف، تجار و صنعت‌گران راسته‌ای مخصوص ایشان اختصاص داده بودند تا برای هم‌دیگر مزاحمت ایجاد نکنند. مارکوپولوی ونیزی به تأکید نوشته است که در بازار بزرگ و قدیمی تبریز که باغ‌هایی زیبا آن را احاطه کرده بودند، بازرگانانی از هندوستان، موصل، بغداد و حتی جزیره هرمز دادوستد می‌کردند (Polo, 1914).

اما، دومین بازاری که غازان خان در تبریز ساخت، در مقابل دروازه شام قرار داشت. همچنین در ناحیه شنب‌غازان تبریز و در مقابل شهرک غازییه بازارهای کوچک دیگری

احداث شده بودند که آن‌ها نیز به شبکه تجاری بزرگ تبریز وصل بودند. به گزارش تاریخ مبارک غازی که البته کمابیش با روایت مارکوپولوی ونیزی هم‌خوانی دارد، به فرمان غازان‌خان، بازرگانانی که از بیزانس و اروپا می‌آمدند، مجاز بودند که بارهای امتعه و کالای خود را فقط در بازار شنب‌غازان تخلیه و معامله کنند؛ که این بازار حدود ۴ کیلومتر از تبریز فاصله داشت. در نتیجه همین راهکار چند مرحله‌ای و عقلانی و برنامه ریزی شده، خدمات تجاری در شهری به بزرگی و عظمت تبریز عهد ایلخانی با رعایت تمامی جنبه‌های کارکردهای بین‌المللی‌اش به آسانی و راحتی و بدون ایجاد تزاخم و با برترین سطح کیفیت و رضایت مدیریت می‌شد تا موقعیت ممتاز تبریز را در میان بازارهای جهان و بازرگانان شرق و غرب ربع مسکون عالم حفظ کند. در عهد ایلخانان در کنار توسعه منطقه‌ای تبریز، ساخت مجموعه‌های بزرگ و شکوهمند معماری بسیار مورد توجه بود. شمس‌الدین جوینی، صدراعظم ایلخانان، مجموعه باغ‌ها و سراهای صاحب آباد تبریز را در ساحل شمالی مهران-رود ساخته بود؛ که در مقابل آن، میدان بزرگ «صاحب‌آباد» قرار داشت که بعدها همین میدان صاحب آباد به میدان اصلی شهر تبریز تبدیل شد؛ که شماری از تأسیسات اداری و مذهبی و تجاری دوردور مرکزیت آن حلقه زده بودند؛ به طوری که همین مجموعه، نقشی مهم در ساختارهای طراحی شده تبریز و حیات اجتماعی آن ایفاء کرد (Giyasi, 1997).

صاحب‌آباد حتی تا عهد صفویه نیز پا بر جا بود؛ به طوری که تصویری از آن را در نقاشی‌های کتاب *بیان منازل سفر العراقین سلطان سلیمان خان* (۹۴۲ ه. ق. / ۱۵۳۵ م.) اثر نصح السلاخی مطراقچی مهندس و جغرافی‌دان سپاه سلطان سلیمان قانونی عثمانی مشاهده می‌کنیم. به نظر می‌رسد که مجموعه و میدان صاحب‌آباد بر اثر زلزله ۱۱۴۳ و ۱۱۹۳ ه. ق. از بین رفته؛ و پس از بازسازی قاجاری تبریز (۱۲۰۰ ه. ق.) جای خود را به مجموعه صاحب‌الامر تبریز داده است؛ زیرا فلانندن و کوست در بازدید و بررسی و نقشه‌برداری سال ۱۸۴۰ م. خود اصلاً بدان اشاره‌ای نداشته؛ و صرفاً صاحب‌الامر را می‌شناسند (Flandin et Coste, 1851: 451-5).

یکی از دلایل رشد و توسعه سریع و بی نظیر تبریز که تا آن دوران مثل آن دیده نشده بود، توسعه همین سازه‌های گروهی و مجموعه‌های معماری بود؛ که شاخص و سرآمد تمامی آن‌ها را باید مجموعه مذهبی عظیم و سر به فلک کشیده علی‌شاه تبریزی دانست؛

که با طرح و سرمایه و نظارت شخصی «وزیر بزرگ شرق» علی‌شاه تبریزی ساخته شد. هر چند که ابوالقاسم کاشانی در کتاب *تاریخ اولجایتو* تا سال ۷۱۸ ه. ق. هیچ اشاره‌ای به احداث مجموعه علی‌شاه ندارد، اما احتمال می‌رود که اولین کلنگ این مجموعه را در سال ۷۱۱ ه. ق. بر زمین زده؛ و احداث آن را تا لحظه مرگ علی‌شاه در سال ۷۲۴ ه. ق. ادامه داده‌اند (آجورلو، نعمتی بابایلو، ۱۳۹۲؛ 3-14؛ Adjerloo, Mansouri 2006). حتی در متون تاریخی آورده‌اند که پیکر علی‌شاه تبریزی را در همان مجموعه به خاک سپرده‌اند (حافظ ابرو، ۱۳۱۷: ۱۱۵؛ خوافی، ۱۳۳۹: ۳۶؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۹۰). مجموعه مسجد جامع علی‌شاه تبریزی که آن را در میانه کهنه میدان محله نارمیان تبریز ساخته بودند، هم‌چنین با دربرگرفتن یک زاویه، یک مدرسه دینی، یک گرمابه و یک بازار، دیری نگذشت که به بزرگ‌ترین و پر آوازه‌ترین مجموعه دینی سراسر عالم اسلام تبدیل شد (Giyasi, 1997, 2002: 31-7). جای بسی تأسف است که امروزه تنها بخشی کوچک از این مجموعه عظیم به صورتی ایوانی بلند به یادگار مانده است که مردم تبریز آن را با نام ارک علی‌شاه می‌شناسند.

شاید هدف اصلی از طراحی و احداث مجموعه عظیم علی‌شاه تبریزی این بود که قدرت، عظمت، شوکت، ثروت و خلاقیت بلارقیب معماری شخصیتی داهی را نمایش دهد که ابوالقاسم کاشانی در *تاریخ اولجایتو* وی را «دستور معظم، صاحب اعظم، والی السیف و القلم، مدبرالمشارق و المغارب، محرر ممالک دنیا، خواجه تاج‌الدوله و الدین، علی‌شاه تبریزی عز نصره» وصف کرده است. کسی که هم وزیر بود، و هم تاجر، و هم در عرصه معماری و شهرسازی دارای ذوق و خلاقیت و بصیرت. بی‌گمان، در عالم معماری و در سراسر تاریخ معماری، جمع شدن جمیع صفات سفارش دهنده یک اثر بزرگ و جسور معماری با سرمایه‌گذار و بانی و طراح چنین مجموعه عظیمی در یک شخصیت واحد، البته یک حادثه تاریخی نادر و بی‌نظیر و شاید هم تکرارناشدنی باشد! (Giyasi, 1997, 2002: 31-7).

با بررسی روایات تاریخی چنین استنباط می‌شود که جامع علی‌شاه تبریزی به شیوه چهار ایوانی طراحی و اجرا شده بود که در میانه آن صحنی بزرگ قرار داشت که در جنوب همین صحن، ایوان اصلی و گنبدخانه بزرگ مسجد را ساخته؛ و در طرفین پیشان هم، دو مناره بلند

برافراشته بودند (Wilber, 1955; Giyasi, 1985, 1997, 2002). اگر چه یافته‌های باستان‌شناختی اخیر ارک تبریز را بازمانده همان کالبد اصلی مسجد جامع علی‌شاه معرفی نمی‌کند (Ajrloo, Mansouri, 2006: 3-14) و حتی به لحاظ تناسبات معماری و گاه-نگاری کالبد نیز در این باره تردیدهایی بس جدی مطرح است (Kleiss, 1981: 117-8) اما اگر خواسته باشیم که صرفاً بر مبنای روایات تاریخی و گفتار سیاحان، ارک تبریز را همان کالبد اصلی مسجد جامع علی‌شاه پنداشته، و بر همین اساس هم، سیمای آن را بازسازی کنیم، آن‌گاه ابعاد شبستان اصلی و فضای زیر گنبدخانه $30/15 \times 60$ متر بوده است؛ که بر همین مینا، طاق اعظم جامع علی‌شاه با عرض $30/15$ متر، عریض‌ترین و بلندترین طاق سراسر تاریخ معماری عالم محسوب می‌شود؛ که ثبات ساختاری این طاق بلند و عریض با دیوارهای ستبر طرفین تأمین می‌شد؛ که هر یک $10/40$ متر قطر دارند. اگرچه خواجه تاج-الدین علی‌شاه تبریزی بنا به روایت مؤرخانی چون حمدالله مستوفی قزوینی (۷۴۰ ه. ق.) و حافظ حسین کربلایی تبریزی (۹۷۵ ه. ق.) در ساخت جامع علی‌شاه از طاق کسری در مدائن الهام و الگو گرفته بوده است، اما شاهکار معماری وی به لحاظ محاسبات مهندسی، ملاحظات معماری، مبانی طراحی و اسلوب فنی یک اثر اصیل و بدیع محسوب می‌شود؛ که باید به نیازهای فنی و زیبایی‌شناختی معماری جاه‌طلبانه و پر عظمت عهد ایلخانی جواب می‌داد. متأسفانه یکی از مهم‌ترین دلایل اصلی تخریب و فروپاشی مجموعه علی‌شاه تبریزی زلزله‌های سال‌های ۹۹۷ و ۱۱۴۳ و ۱۱۹۳ ه. ق. تبریز بوده است؛ و البته در سال‌های پس از علی‌شاه نیز به علت عظمت پروژه، هرگز به بازسازی و احیاء این اثر رغبت و تمایلی نشان داده نشد.

رشیدیه

شهرک رشیدیه و یا ربع رشیدی به تعبیر شهرسازی معاصر، شهرک دانشگاهی تبریز بوده است. بنا به نوشته حمدالله مستوفی قزوینی در *نزهت‌القلوب*، خواجه رشیدالدین فضل‌الله شهرک رشیدیه یا ربع رشیدی را در ابتداء قرن هشتم ه. ق. در دامنه کوهستان شمال شرقی تبریز و در پای ولیان‌کوه احداث کرد (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۷-۷۶).

از متن وقفنامه ربع رشیدی استنباط می‌شود که شهرک رشیدیه از دو قسمت «ربع رشیدی» و «شهرستان رشیدی» شکل می‌گرفت؛ که «ربع» محله فرهنگی و «شهرستان» محله مسکونی بود؛ که البته هر دو ناحیه، درون یک باروی مثلثی شکل محافظت می‌شدند. مقبره برجی شکل خواجه رشیدالدین فضل‌الله معروف به «گنبد» در میانه مجموعه ابنیه ربع قرار داشت؛ که بنا به متن وقفنامه ربع رشیدی پیرامون آن با تأسیساتی احاطه می‌شد که عبارت بودند از: مسجد صیفی، مسجد شتوی، دارالمصاحف، کتب‌الحديث، بیت‌التعلیم ایتام، دارالضیافه، دارالشفاء، دو بیت‌الکتب، دارالضرب، دارالحجاج، دارالسیاده، دارالصنائع، خانقاه، دارالقرآن، دارالحفاظ، مدارس، کارگاه نساجی، کارگاه کاغذسازی، ۲۴ کاروان‌سرا و بازاری با ۱۵۰۰ حجره. بخش شهرستان هم، از کوی علماء، کوی طلاب و کوی معالجان (محله سکونت اطباء) آب‌انبار و رخت‌شوی‌خانه تشکیل می‌شد؛ و البته به تمامیت مجموعه باید دیگر تأسیساتی چون باغ‌ها و آسیاب و شش پارچه آبادی هم افزوده شود (فضل‌الله، ۱۳۱۳: ۴۲). ناگفته نماند که محلات در نظام سنتی شهرسازی شرقی بر اساس گروه‌های قومی یا خویشاوندی و یا اصناف و حرف تنظیم می‌شد (Giyasi 1991: 42-54, 218-24) حال آن‌که محلات و خیابان‌های رشیدیه بر اساس موقعیت سکونت و درجات و فعالیت طبقات مختلف علماء و طلاب تعریف و طراحی شده بود. در میان این خیابان‌ها که البته هر خیابان به نام همان محله نیز نامیده می‌شد، باید به خیابان علماء و خیابان معالجان و خیابان طلاب اشاره کرد. همچنین باید اشاره و تأکید شود که رشیدیه در عهد ایلخانی یک مجموعه خیریه و عام‌المنفعه و غیرانتفاعی عظیم بود که با دیگر مجموعه‌های شهری تبریز ارتباط داشت. رشیدیه را در امتداد خیابانی اصلی ساخته بودند که در راستای شرقی- غربی از دروازه اصلی رشیدیه به دروازه اصلی تبریز ختم می‌شد؛ که مرکز تجاری و در رأس آن قیصریه را در امتداد همین خیابان اصلی ساخته بودند.

هرچند رشیدیه داخل باروی غازی تبریز قرار داشت اما دارای سور و حصار مثلثی شکل مستقل بود. بنا به گزارش وقفنامه ربع رشیدی و تاریخ مبارک غازی، باغ‌های زیبایی نظیر فتح‌آباد، مختارآباد، جلال‌آباد، هیرآباد، دین‌آباد و نجم‌آباد به شکوه و زیبایی کوشک‌ها و سراها و عمارت‌هایی تابستانی می‌افزودند که در وسط رشیدیه پراکنده بودند؛ و در میان

همین باغ‌ها، عباس آباد بزرگترین باغ، کوشک رشیدیه بود. همچنین، هر کدام از باغ‌ها، سیستم آبرسانی و آبیاری جداگانه و خاص خود را داشت (کاشانی، ۱۳۴۸: ۱۱۶). گویا هدف رشیدالدین از احداث این باغ‌ها، کوشک‌ها و سراهای پراکنده در میان آن‌ها، تجسم زمینی جنت اعلاء و رضوان الهی و نیز بازآفرینی قصر خورنق بهرام گور بوده است. در طراحی رشیدیه که اصالتاً شهری اندر شهری دیگر بود، تمامی بخش‌های خدمات اجتماعی قبلاً محاسبه و پیش‌بینی شده بود. جمعیت رشیدیه حدود ۱۵۰ هزار نفر برآورد می‌شود که در حدود ۳۰ هزار واحد مسکونی جای گرفته بودند؛ و غذای سکنه شهرک با ایجاد یک شبکه روستایی متشکل از شش پارچه آبادی تأمین می‌شد. این شبکه روستایی کمابیش با شبکه روستاهای سابق فتح‌آباد، حکم آباد، سردرود، بارنج، باسمنج و زرنق در مجاورت تبریز امروزی قابل قیاس و تشبیه است که تا پیش از دهه ۱۳۷۰ ه. ش. بخش عمده میوه و تره بار مورد نیاز بازار تبریز کنونی را تأمین می‌کردند.

رشیدیه برای مؤخان و سیاحان سده‌های هشتم و نهم ه. ق. جذابیت و گیرایی خاصی داشت؛ و این گیرایی و جذابیت نه صرفاً به خاطر وسعت و ابعاد بزرگ آن به عنوان شهری مهندسی‌ساز و از قبل برنامه ریزی شده، بلکه به خاطر شکوه و عظمت و شوکت آثار معماری‌اش نیز بود. شعراء و ادبای عهد ایلخانی در بازدید از تبریز شکوه و زیبایی عمارات و سراهای رشیدیه را ستوده‌اند؛ و برای مثال، صاحب تذکره/الشعراء سمرقندی، مسجد جمعه آن را به کوه قافی تشبیه کرده‌اند که گنبدش سر به فلک کشیده است؛ و گویا گنبد دیگر مساجد در قیاس با آن، بازیچه‌ای بیش نیست! متن یکی از کتیبه‌های گنبد مسجد جامع رشیدیه که گویا به روایت محمدعلی قراجه‌داغی اوانسری در *زین‌المعابد فی بیان فضیلت-المساجد* به خط استاد عبدالله صیرفی خطاط بوده است، مهندسان و معمارانی را نام برده است که این سازه‌های بلند را برافراشته؛ و برای غلبه بر مسائل پیچیده مهندسی مجاهدت بسیار کرده‌اند؛ به طوری که *دولت‌شاه سمرقندی* نوشته است که خراب کردن رشیدیه از ساختن آن بسی دشوارتر است! اما علی‌رغم ادعای دولت‌شاه سمرقندی، و صرف نظر از قتل خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۷۱۸ ه. ق.) و سقوط حکومت ایلخانان (۷۵۷ ه. ق.) زلزل سهمگین تبریز، جنگ‌های ایران و عثمانی بر سر تبریز و استفاده از مصالح رشیدیه برای

بازسازی تبریز پس از زلزله ۱۱۹۳ ه. ق. در زوال و نابودی رشیدیه نقش بسیار داشتند (روملو، ۱۳۴۷: ۳۲۸؛ منشی ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۴۰۲، ۱۳۶۱؛ نادرمیرزا قاجار، ۱۳۷۳: ۲-۱۹۱).

غازانیه

غازانیه در زمان سلطنت سلطان محمود غازان خان یکی دیگر از قسمت‌های تبریز بود که برای ساخت یک شهرک جدید با برنامه‌ریزی و طراحی قبلی در نظر گرفته شد. غازانیه به تعبیر امروزی یک شهرک اقماری محسوب می‌شد (Giyasi, 1985: 41-3; 1997). بنا به گزارش خواجه رشیدالدین فضل‌الله به دستور ارغون‌خان مغول در سال ۶۸۹ ه. ق. در اراضی روستای شنب در غرب تبریز دو قلعه بلند با یک شهرک در حد فاصل آن‌ها ساخته شد؛ و بدان‌جا لقب ارغونیه دادند (فضل‌الله، ۱۳۱۳: ۸۲۳). سلطان محمود غازان خان برای توسعه شهرک ارغونیه طرح‌هایی عرضه داشت که آن را به یک شهرک اداری-سیاسی در غرب تبریز تبدیل کرد. بار دیگر، بنا به گزارش خواجه رشیدالدین فضل‌الله، سلطان محمود غازان خان شخصا بر جمیع عملیات معماری و شهرسازی ارغونیه نظارت می‌کرد؛ که از جمله باید به گسترش و تحکیم سور و حصار ارغونیه، احداث بازار، توسعه باغ و کوشک عادلیه و احداث «گنبد عالی غازانی» در کنار آن اشاره داشت؛ و حالا، ارغونیه پس از نوسازی و گسترش، غازانیه نامیده می‌شد (فضل‌الله، ۱۳۱۹: ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۶۰، ۱۷۳-۴، ۲۰۶-۸). ابن-بطوطه در سال ۷۲۷ ه. ق. در مجموعه غازانیه به مسجد جامع، مسجد شافعیه، مسجد حنفیه، خانقاه، دارالسیاده، دارالشفاء، مریض‌خانه، کتابخانه، قرائت‌خانه، حوض‌خانه، بیت-القانون، بیت‌المتولی، کوشک عادلیه، گنبد غازانیه، حکمیه (محل حکماء) بوستان و چند حمام و رصدخانه غازانی اشاره دارد. رصدخانه غازانی که گاهی با نام رصدخانه تبریز نیز معرفی شده است، از رصدخانه مراغه تقلید شده بود؛ و بنا به گزارش خواجه رشیدالدین فضل‌الله شخص غازان خان که از علوم ریاضیات و هیئت بهره داشت، شخصا در آن‌جا به رصد ستارگان و مطالعات نجومی و محاسبات ریاضی می‌پرداخت (فضل‌الله، ۱۳۱۹: ۱۳۱، ۱۷۳-۴). بنا به نص تاریخ مبارک غازانی، هر چند که دارالقضاء دولت ایلخانی در تبریز قرار داشت، اما، سلطان محمود غازان خان در واقع غازانیه را ارگ سلطنتی و پایتخت سیاسی-

اداری ایلخانان می‌دانست؛ و مراسم بارعام، جلسات دربار، ضیافت‌های رسمی اداری و تشریفات پذیرش سفیران خارجی در غازانیه انجام می‌شد؛ که اینک با احداث آرامگاه شخصی غازان خان به شکوه و اعتبار و جلال آن‌جا بیش از پیش افزوده شده بود. در باز-طراحی ارغونیه و تبدیل آن به شهرک اداری-سیاسی غازانیه در غرب تبریز، گنبد غازانی نقشی مهم ایفاء می‌کرد؛ و گویا نقطه محوری و کانونی شهرک غازانیه محسوب می‌شد: برجی بلند که با چندین باغ احاطه شده بود. «گنبد شریف غازانی» را در کنار کوشک عادلیه ارغون خان ساخته بودند (کاشانی، ۱۳۴۸: ۱۷۹).

در گزارش تدفین سلطان محمود غازان خان در ابواب البرغازانی یک نکته کلیدی نهفته است که می‌تواند کمابیش ما را در بازسازی تاریخی سیمای شهری تبریز راهنمایی کند: صاحب مجمع‌الانساب در سال ۷۳۳ ه. ق. نوشته است که «او را دفن کردند در شهر تبریز، در گنبدی که از آن، عالی‌تر نیست.» (شبانکاری، ۱۳۶۳: ۲۶۹). این روایت نشان می‌دهد که شبانکاری علی‌رغم معاصر بودن با غازانیه ایلخانی، آن‌جا را نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد که از تبریز تفکیک و متمایز کند؛ که همین، نشان می‌دهد که تبریز و رشیدیه و غازانیه را نه به صورت سه ناحیه شهری جدا و منفک و دور از هم‌دیگر، بلکه به شکل یک شبکه شهری سه پارچه طراحی و احداث کرده بودند؛ شبکه‌ای که یک جاده اصلی غرب آن را در غازانیه، به شرق آن، در رشیدیه متصل می‌کرد؛ در حالی که از میان تبریز می‌گذشت؛ یا به عبارتی دیگر، بر مبنای سنت شهرسازی اسلامی ما می‌توانیم از یک خیابان اصلی در میانه شهر صحبت کنیم که از دروازه شام تبریز در راستای شرقی-غربی به دروازه قلعه غازانیه رسیده؛ و با گذر از وسط مجموعه غازانیه به ارگ داخلی شهر ختم می‌شد. غازانیه همچنین به شبکه تجارت جهانی بازار تبریز متصل بود و یک بازار، شامل کاروان‌سراها و ردیفی از حجرات، و چندین سرا و کوشک‌های پراکنده در میان باغ‌های زیبا و مجموعه‌ای از ابنیه عام‌المنفعه متنوع داشت. البته ناگفته نماند که غازانیه بر خلاف رشیدیه در بیرون از «باروی غازانی» احداث شده بود. متأسفانه امروزه بازسازی کامل همه ساختارهای طراحی شده غازانیه کاملاً غیرممکن است؛ چون که غازانیه بنا به گزارش نادر میرزا قاجار بر اثر زلزله مهیب سال ۱۱۹۳ ه. ق. تبریز کاملاً ویران شد؛ و بعدها، از مصالح آن برای بازسازی تبریز و احداث دیگر تأسیسات استفاده کردند (نادر میرزا قاجار، ۱۳۷۳: ۱۳۸، ۱۲۳). همچنین، بنا به متن تاریخ

عالم‌آرای عباسی و احسن‌التواریخ، غازانیه به هنگام لشکرکشی چغال‌اوغلی عثمانی به تبریز نیز محل استقرار قشون عثمانی بود؛ و توپخانه شاه عباس صفوی از موضع استحکامات رشیدیه آن‌جا را به توپ می‌بست (روملو، ۱۳۴۷: ۳۲۸؛ منشی ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۱۶، ۴۸۸، ۱۳۵۵).

نتیجه

به استثناء ارک علی‌شاه تبریز، هنوز اطلاعات باستان‌شناختی کافی درباره پلان سازه‌ها و ساختارهای معماری و شهرسازی تبریز عهد ایلخانی در دست نیست؛ با این حال، بر مبنای منابع اصلی تاریخ عهد ایلخانی بالاخص آثار قلمی کسانی چون خواجه رشیدالدین فضل‌الله و حمدالله مستوفی قزوینی و ابوالقاسم کاشانی، می‌توانیم که سیمای شهری تبریز عهد ایلخانی و شهرک‌های اقماری رشیدیه و غازانیه را بر پایه سه کارکرد اساسا متفاوت از هم دیگر بازسازی کرده؛ و ساختارهای اصلی معماری آن‌ها را بازشناسی کنیم؛ به طوری که بر اساس برنامه‌ریزی و طراحی مهندسان این دوران، و البته با محوریت مجموعه‌های معماری عظیم عام‌المنفعه، شهر تبریز به عنوان ناحیه مسکونی توده‌های رعایا، صنعت‌گران، پیشه‌وران و بازاریان و مرکز اصلی صنعت و تجارت و مرکز ثقل شبکه بازارهای شرقی قلمرو ایلخانان؛ شهرک غازانیه به عنوان ارگ حکومتی، اقامتگاه سلطنتی و مرکز تجارت با اروپا و شهرک رشیدیه نیز با هدف فعالیت‌های علمی و فرهنگی و دینی و سکونت نخبگان اجتماعی، برنامه‌ریزی، طراحی و احداث شده بودند. بدین معنی، در عهد غازان‌خان برای دولت ایلخانی سه پایتخت صنعتی-تجاری، اداری-سیاسی و علمی-فرهنگی، هر چند جدا از هم، اما پیوسته با یکدیگر، و در قالب یک شبکه، در دشت تبریز طراحی و برنامه‌ریزی و احداث کرده بودند. پراکنش عقلانی و متوازن مجموعه‌های بزرگ و دیگر سازه‌ها در تمامی محلات و سطح تبریز، یک نظم کارکردی و یک توازن را به ساختار فضایی-مرکب تبریز بخشیده بود؛ و به سبب دارا بودن ساختارهای چند مرکزی شهری، می‌توان شهرسازی و طراحی شهری تبریز عهد ایلخانی را با شهرهای مدرن و مهندسی‌ساز امروزی مقایسه کرد. تجربه موفق تبریز در ساخت یک شهر ثروتمند از پیش طراحی شده البته بعدها در طراحی و



ساخت دیگر شهرهای جدید عهد ایلخانی و تیموری نیز به کار گرفته شد که از نمونه‌های شاخص آن سلطانیه و سمرقند بودند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- آجورلو، بهرام و نعمتی بابایلو، علی (۱۳۹۲) حذف هویت قاجاری ارک علی‌شاه تبریز با مرمت به شیوه پاکسازی سبکی. فصلنامه علمی و پژوهشی *باغ نظر* ۲۷ (۴): ۲۷-۳۸.
- ابن بطوطه (۱۳۷۰) *تحفه الانظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار (رحلة ابن بطوطه ۷۵۶ ه. ق.)*. تصحیح: عبدالهادی التازی. ترجمه: محمدعلی موحد. جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر آگاه.
- اسکویی، آذیتا بلالی؛ و همکاران (۱۳۸۹) طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی، فصلنامه علمی و پژوهشی *صفه* ۲۰ (۵۰): ۵۱-۷۶.
- اوانسری، محمد علی قراجه‌داغی (بی‌تا) *زین المعابد فی بیان فضیلت المساجد*. تبریز: چاپ سنگی.
- البنناکتی، فخرالدین ابوسلیمان داود (۱۳۴۸) *تاریخ بناکتی: روضه اولی الاباب فی معرفه التواریخ و الانساب (۷۳۰-۷۱۷ ه. ق.)*. تصحیح: جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.
- حافظ ابرو (۱۳۱۷ ه. ش.) *ذیل جامع التواریخ رشیدی (۸۲۰ ه. ق.)*. تصحیح: خان‌بابا بیانی، تهران: چاپ‌خانه علمی.
- خوافی، فصیح احمد ابن جلال‌الدین محمد (۱۳۳۹) *مجمعل فصیحی (ق. ۹ ه. ق.)*. تصحیح: محمد فرخ، جلد اول، مشهد: چاپ طوس.
- روملو، حسن (۱۳۴۷) *احسن التواریخ*. تصحیح: چارلز نورمن سیدن. تهران: چاپ صدر.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۱) بازآفرینی شهرستان رشیدی، *هنرهای زیبا* ۱۱ (۴): ۲۹-۴۰.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۲۷۲ ه. ق.) *تذکره الشعراء سمرقندی (ق. ۹ ه. ق.)*. تصحیح: محمد حسین ابن ملا نجف قزوینی، تهران: چاپ سنگی.
- شبانکاری، محمد ابن علی ابن محمد (۱۳۶۳) *مجمع الانساب (۷۳۳ ه. ق.)*. تصحیح: میرهشم محدث، دو جلد، تهران: امیرکبیر.
- شیرازی، شرف‌الدین عبدالله (۱۳۴۶) *تحریر تاریخ و صاف: تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار (۷۱۶-۶۹۹ ه. ق.)*. تصحیح: عبدالمحمد آیتی، تهران.
- عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین (۱۳۷۲) *مطلع سعیدین و مجمع بحرین (ق. ۹ ه. ق.)*. تصحیح: عبدالحسین نوایی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- عطاءملک جوینی، علاءالدین (۱۲۹۰) *تاریخ جهان‌گشای جوینی*. تصحیح: علامه محمد قزوینی، جلد دوم، لیدن: انتشارات بریل.
- فضل‌الله، خواجه رشیدالدین (۱۳۱۳) *جامع‌التواریخ رشیدی (۷۱۰ ه. ق.)*. به کوشش بهمن کریمی، جلد دوم، تهران: اقبال.
- فضل‌الله، خواجه رشیدالدین (۱۳۱۹) *تاریخ مبارک غازی (۷۰۳ ه. ق.)*. تصحیح: کارل یان، هارتفورد: استفان اوستین.
- فضل‌الله، خواجه رشیدالدین (۱۳۵۶) *وقفنامه ربع تسیدی (۷۰۰ ه. ق.)*. به کوشش: مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله ابن محمد (۱۳۴۸ ه. ش.) *تاریخ اولجایتو (۷۱۸ ه. ق.)*. تصحیح: مهین همبلی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۴۴) *روضات الجنان و جنات الجنان (۹۷۵ ه. ق.)*. تصحیح: جعفر سلطان‌القرایی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۲۹۸) *نزهت القلوب (۷۴۰ ه. ق.)*، مقاله سوم در جغرافیا. تصحیح: گای لسترنج، لندن: بنیاد گیب.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲)، *نزهت القلوب (۷۴۰ ه. ق.)*. تصحیح: گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده (۷۳۰ ه. ق.)*. تصحیح: عبدالحسین نوائی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- المطراقچی، نضوح السلاخی (۱۳۵۵) *بیان منازل سفر العراقرین سلطان سلیمان خان (۱۵۳۵ م.)*. تصحیح: حسین یورد آیدین، آنکارا: انجمن تاریخ تورک.
- منشی ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۷۷) *تاریخ عالم‌آرای عباسی (۱۰۳۸-۱۰۲۵ ه. ق.)*. به کوشش محمد اسمعیل رضوانی. ۳ جلد، تهران: دنیای کتاب.
- میرخواند (۱۳۳۹) *روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء (ق. ۹ ه. ق.)*. تصحیح: عباس پرویز، تهران: کتابفروشی مرکزی.
- نادر میرزا قاجار (۱۳۷۳) *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز (۱۳۰۲ ه. ق.)*. تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجله تبریز: ستوده.

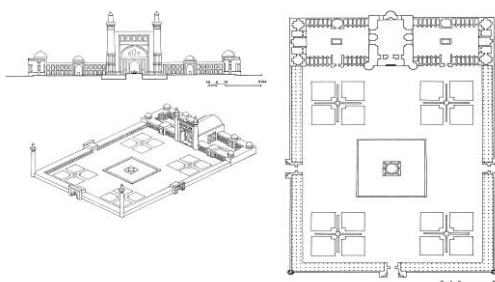
ب) خارجی

- Adjerloo, Bahram & Mansouri, Seyed Amir (2006) Architecture of Azerbaijan in Ilkhanid era. The case study: A new archaeological research on the Ark of Alishah in Tabriz, *The Proceedings of 5th Conference of Societas Iranologica Europea (Ravenna, 6-11th October 2003), Volume 2: Classical & Contemporary Iranian Studies*, In A. Panaino & R. Zipoli (eds.), Milano: Mimesis: 3-14.
- Bretanizki, Leonid *et al.* (1989) *Die Kunst Aserbaidshans: Von 4. Bis 18 Jarhundert*. Leipzig: Koehler und Amelang Verlag.
- Chardin, Jean B. (1686). *Journal du voyage du Chevalier Chardin en Perse et aux Indes orientales la Mer Noire et par la Colchide: Qui contient le voyage de Paris à Ispahan*. Amsterdam: Wolters *et* Haring.
- Flandin, Eugène N. *et* Coste, Pascal X. (1851) *Voyage en Perse : Pendant Les Années 1840 et 1841*. Tome 2, Paris : Gide *et* J. Baudry Libraires Éditeurs.
- Giyasi, Jaafar A. (1985) *Yaxın Uzaq Ellərdə*. Baku: Azerbaijan National Academy of Sciences.
- Giyasi, Jaafar A. (1991) *The Architectural Monuments of Nizami Period*. Baku: Azerbaijan National Academy of Sciences.
- Giyasi, Jaafar A. (1997) *Me'mar Xacə Əlişah Təbrizi: Dövrü & Yaradıcılığı*. Baku: Azerbaijan National Academy of Sciences.
- Giyasi, Jaafar A. (2002) Tabriz Ark citadel: the biggest sanctuary of Islam world. *Architecture & City-Building* 3: 31-7.
- Golombek, Lisa & Wilber, Donald N. (1988) *The Timurid Architecture of Iran and Turan*. Princeton University Press.
- Kleiss, Wolfram (1981) Notiz zur Alishah Moschee (Ark) in Tabriz, *Archaeologische Mitteilung aus Iran* 14: 117-8.
- Le Strange, Guy (1919) *The Geographical Part of the Nuzhat-Al-Qulub Composed by Hamd-Allah-Mustawfi of Qazwin in 740 A.H. (1340)*. London: E. J. W. Gibb Memorial.
- Nasüh El-Silahi Matarakçı (1976) *Beyan-i Menazil-i Sefer-i Irakeyn-i Sultan Süleyman Han (1535)*. In Hüseyin G. Yuraydin (ed.), Ankara: Türk Tarih Kurumu.

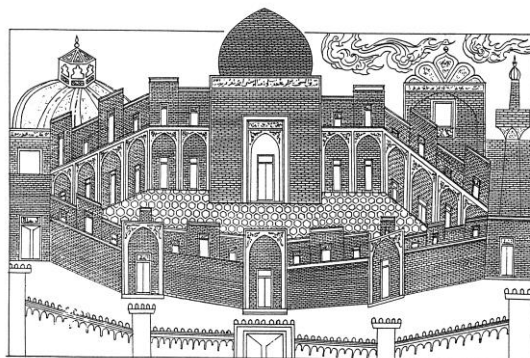


- Polo, Marco (1914) *The Travels of Marco Polo The Venetian* (Introduction by John Masefield). In William Marsden (trn.) & Thomas Wright (ed.), 3rd edition, London: J. M. Dent & Sons Co. Ltd.
- Texier, Charles F. M. (1846) *Description de l'Arménie et de la Perse, de la Mésopotamie, 1842–1845*. Paris.
- Wilber, Donald N. (1955) *The Architecture of Islamic Iran: The Ilkhanid Period*. Princeton University, New York: Greenwood.
- Wilson, Arnold T. (1930) Earthquakes in Persia, *Bulletin of School of Oriental Studies of University of London* 6 (1): 103-31.

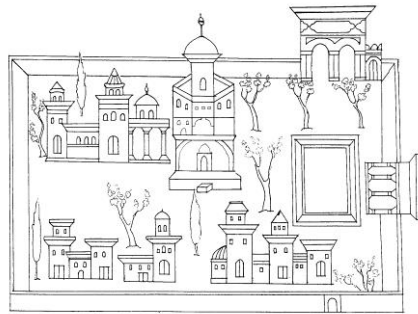
تصاویر و نقشه‌های



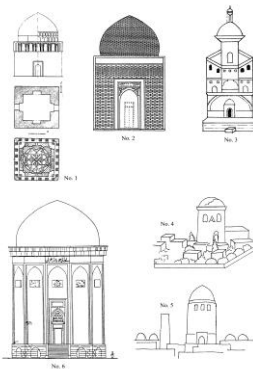
تصویر ۱- اسکیس بازسازی شده مسجد جامع علی‌شاه تبریزی از جعفر قیاسی؛ که بدون توجه به یافته‌های باستان‌شناختی، و صرفاً بر مبنای روایات تاریخی سده‌های هشتم و نهم ه. ق. ترسیم شده است (Giyasi 1985, 1997, 2002).



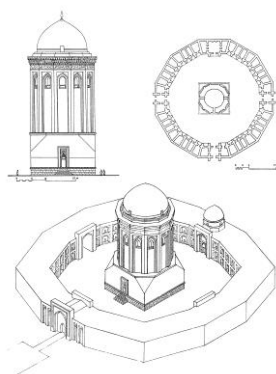
تصویر ۲- مینیاتوری از کوشک و حصار و گنبد عالی مجموعه غازانیه برگرفته از جامع -
التواریخ رشیدی.



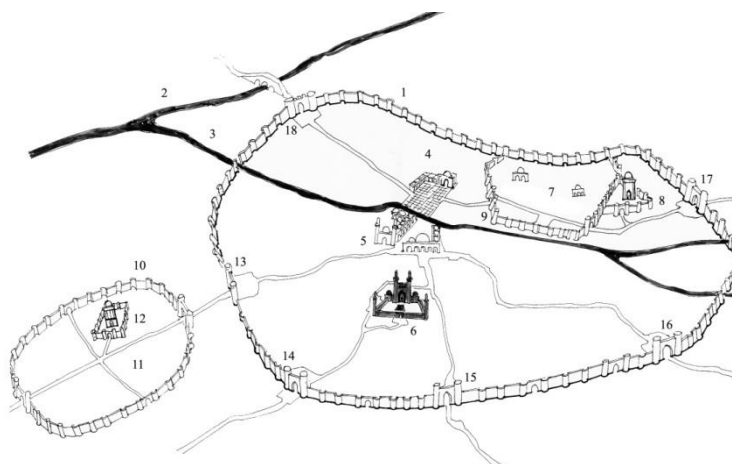
تصویر ۳- مینیاتوری از کوشک و حصار در غرب تبریز که به نظر جعفر علی‌اوغلو قیاسی، باید مجموعه غازانیه باشد. برگرفته از کتاب *بیان منازل سفر العراقرین سلطان سلیمان خان اثر نصح السلاحي المطراچچی، ۱۵۳۵ م.*



تصویر ۴- مقایسه فرم آرامگاه برجی سلطان سنجر سلجوقی در مرو با گنبد غازانیه و نماهای تاریخی آن: شماره ۱. آرامگاه سلطان سنجر (Giyasi, 1991)، شماره ۲. گنبد عالی تصویر شده در *جامع التواریخ رشیدی*، شماره ۳. گنبد غازانیه تصویر شده در کتاب *بیان منازل سفر العراقرین سلطان سلیمان خان*، شماره ۴. برج شام‌غازان تصویر شده توسط گرلو نقاش هم‌سفر شاردن در عهد صفوی (Chardin, 1686)، شماره ۵. برج غازانی تصویر شده توسط تیکسیه در عهد قاجار (Texier, 1846)، شماره ۶. بازسازی فرضی مقبره برجی غازان خان توسط دونالد ویلبر (Wilber, 1955).

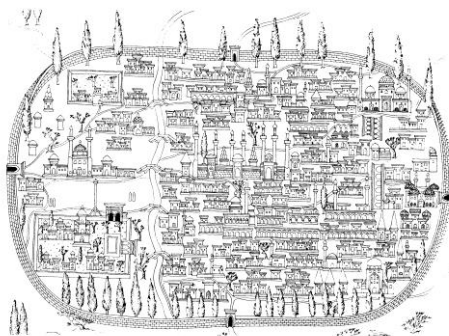


تصویر ۵- گنبد غازانیه: اسکیس بازسازی شده بر مبنای روایات تاریخی؛ طراحی و ترسیم از جعفر علی‌اوغلو قیاسی.



تصویر ۶- بازسازی ساختار و نظام شهری پایتخت ایلخانان بر اساس رابطه سازمان یافته تبریز و دو شهرک اقماری رشیدیه و غازانیه؛ بر مبنای روایات تاریخی؛ طراحی و ترسیم از جعفر علی‌اوغلو قیاسی.

راهنما: شماره ۱. سور و حصار تبریز، شماره ۲. رود آجی چای، شماره ۳. رود مهران چای، شماره ۴. میدان و مجموعه صاحب آباد، شماره ۵. مجموعه بازار و مسجد جمعه تبریز، شماره ۶. مجموعه مسجد علی شاه تبریزی، شماره ۷. رشیدیه، شماره ۸. گنبد رشیدی، شماره ۹. حصار رشیدیه، شماره ۱۰. حصار غازانیه، شماره ۱۱. غازانیه، شماره ۱۲. ابواب البرغازانی، شماره ۱۳. دروازه شام، شماره ۱۴. دروازه سردرود، شماره ۱۵. دروازه نارمیان، شماره ۱۶. دروازه اوجان، شماره ۱۷. دروازه اهر، شماره ۱۸. دروازه شیروان.



تصویر ۷- تصویری مینیاتوری از تبریز عهد صفویه به سال ۱۵۳۵ م. و پیش از زلزله ۹۹۷ ه. ق. بر اساس کتاب مطراقچی. بنا به انگاره جعفر علی اوغلو قیاسی، سازمان فضایی تبریز ترسیم شده در این نقاشی، هنوز کماکان ایلخانی است؛ و هنوز، شماری از مجموعه‌های معماری عهد ایلخانی چون جامع علی شاه تبریزی، صاحب آباد و غازانیه در آن، محوریت فضایی دارند.